



روای صادقه حضرت زینب(س) چه بود؟

زینب، یعنی زینت پدر و این نامی است که خداوند برای دختری انتخاب کرد، که با انجام رسالت خویش زینت بخش تاریخ و موجب افتخار و سرافرازی خاندان وحی و ولایت شد.

زینب، یعنی زینت پدر و این نامی است که خداوند برای دختری انتخاب کرد، که با انجام رسالت خویش زینت بخش تاریخ و موجب افتخار و سرافرازی خاندان وحی و ولایت شد.
نام زینب(س) در تاریخ کربلا که تاریخ جاودانگی اسلام و تشیع است، به خاطر فداکاری‌هایش، زیبا، درخشان و جاودانی است و ماندگار.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در تاریخ وفات حضرت زینب کبری(س) سومین فرزند امیرمومنان حضرت علی(ع) اختلاف نظر وجود دارد، اما مشهور این است که آن حضرت در 15 رجب سال 62 هجری روز یکشنبه وفات کرده است به همین مناسبت مختصری از زندگی‌نامه آن حضرت را مرور می‌کنیم.

ولادت، همسر و فرزندان حضرت(س)

حضرت زینب کبری (س) در روز پنجم جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجری قمری در شهر مدینه منوره متولد شدند. نام مبارک آن بزرگوار زینب، و کنیه گرامی‌شان ام الحسن و ام کلثوم و القاب آن حضرت عبارتند از: صَدِيقَةُ الصَّغْرِ، عَصْمَةُ الصَّغْرِ، وَلِیَّةُ اللَّهِ الْعَظْمَى، ناموس الکبری، شریکة الحسین علیه‌السلام و عالمه غیر معلّمه، فاضله، کامله و ...
 پدر بزرگوار آن حضرت، اولین پیشوای شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع) و مادر گرامی آن بزرگوار، حضرت فاطمه زهرا (س) می‌باشد. همسر گرامی آن حضرت، عبدالله فرزند جعفر بن ابیطالب، بود. در کتاب اعلام الوری برای آن بانوی بزرگوار سه پسر به نام‌های علی، عون، و جعفر و یک دختر به نام ام کلثوم ذکر شده است.

معنی نام زینب، یعنی زینت پدر و این نامی است که خداوند برای دختری انتخاب کرد، که با انجام رسالت خویش زینت بخش تاریخ و موجب افتخار و سرافرازی خاندان وحی و ولایت شد. و این است که نام زینب(س) در تاریخ کربلا که تاریخ جاودانگی اسلام و تشیع است، به خاطر فداکاری‌هایش، زیبا، درخشان و جاودانی است
 حضرت زینب (س) به سن ازدواج رسیده بود. از بین خواستگاران متعددی که به منزل علی (ع) می‌آمدند، تقاضای عبدالله بن جعفر بن ابی طالب - برادر زاده علی(ع) که از طرف خود کسی را برای خواستگاری حضرت زینب فرستاده بود، - مورد پذیرش قرار گرفت. در این وصلت فرخنده مهریه حضرت زینب(س) مطابق با مهریه مادرش فاطمه علیها السلام یعنی 480 درهم معین شد.

اینک زینب به سال‌های تشکیل زندگی مشترک نزدیک شده است. او می‌داند که ازدواج برای هر زنی حق طبیعی و شرعی است و روی گردانی از این سنت، خارج شدن از آئین پیامبر اسلام است.
 ولی زینب(س) با ازدواج که عمل به سنت پیامبر خداست، رسالت بزرگی را که بر دوش دارد فراموش نمی‌کند. او می‌داند که باید در تمام صحنه‌ها و لحظه‌ها در کنار برادرش باشد. او می‌داند که به ثمر نشستن قیام حسین و شهادت عزیزانش، نیازمند آزادی در اسارت، صبر و پایداری، و پیام رسانی او به گوش تاریخ بشریت است.

از این رو زینب در قرارداد ازدواجش شرط همراهی با برادرش حسین را قید می‌کند تا از وظیفه مهم خود باز نماند. از شخصیتی متعهد به اسلام و دوستدار اهل‌بیت، چون عبدالله بن جعفر که به خواستگاری دختر علی آمده است، انتظاری جز پذیرش این شرط نیست. به هر صورت مراسم خواستگاری پایان می‌یابد و عبدالله بن جعفر به افتخار همسری زینب کبری نائل می‌گردد.

روای صادقه و غمناک حضرت زینب (س)

زینب مسیر پرحادثه و دردناکی را که در پیش دارد، در همان زمان کودکی در آینه رویا می‌نگرد و برای جدش پیامبر اکرم بازگو می‌کند و پیامبر خدا حادثی را که در انتظار اوست تعبیر می‌کند تا او که دست پرورده علی و بزرگ شده دامان زهراست، خود را برای رویارویی با این حوادث مهیا سازد. این رویا را در تاریخ چنین می‌خوانیم: ارتحال پیامبر خدا نزدیک بود، زینب نزد پیامبر آمد و با زبان کودکانه به پیامبر چنین گفت: «ای رسول خدا! دیشب در خواب دیدم که باد سختی وزید که بر اثر آن دنیا در ظلمت فرو رفت و من از شدت آن باد به این سو و آن سو می‌افتادم؛ تا این‌که به درخت بزرگی پناه بردم، ولی باد آن را ریشه کن کرد و من به زمین افتادم. دوباره به شاخه دیگری از آن درخت پناه بردم که آن هم دوام نیاورد. برای سومین مرتبه به شاخه دیگری روی آوردم، آن شاخه نیز از شدت باد در هم شکست. در آن هنگام به دو شاخه به هم پیوسته دیگر پناه بردم که ناگاه آن دو شاخه نیز شکست و من از خواب بیدار شدم».

پیامبر با شنیدن خواب زینب، بسیار گریست و فرمود:

«درختی که اولین بار به آن پناه بردی جدّ توست که به زودی از دنیا می‌رود. و دو شاخه بعد مادر و پدر تو هستند که آن‌ها هم از دنیا می‌روند و آن دو شاخه به هم پیوسته دو برادرت حسن و حسین هستند که در مصیبت آنان دنیا تاریک می‌گردد».

اسارت، افتخار زینب و رمز ماندگاری قیام عاشورا

"پس از حادثه کربلا حضرت زینب (س)، حدود یک سال و شش ماه زندگی کرد. حضرت در کاروان اسیران، همراه دیگر بازماندگان قافله کربلا به کوفه و سپس به شام برده شد. اگر چه رهبری بازماندگان بر عهده امام سجاد بود، زینب کبری (س) نیز سرپرستی را برعهده داشت.

سخنرانی قهرمانانه زینب (س) در کوفه، موجب دگرگونی افکار عمومی شد. وی در برابر نعره مستانه عبیدالله بن زیاد، آن گاه که به پیروزی می‌نازید و می‌گفت: "کار خدا را با خاندانت چگونه دیدی؟!" با شهادت و شجاعت وصف ناپذیری گفت: جز زیبایی چیزی ندیده‌ام. شهادت برای آنان مقدر شده بود. آنان به سوی قربانگاه خویش رفتند به زودی خداوند آنان و تو را می‌آورد تا در پیشگاه خویش داوری کند.

آن گاه که ابن زیاد دستور قتل امام سجاد را صادر کرد، زینب (س) با شهادت تمام، برادر زاده‌اش را در آغوش گرفت و گفت: اگر خواستی او را بکشی مرا هم بکش. به دنبال اعتراض زینب (س)، ابن زیاد از کشتن امام پشیمان شد.

کاروان آزادگان به دمشق رفت. در شام نیز زینب (س) توانست افکار عمومی را دگرگون نماید. جلسه‌ای یزید به عنوان پیروزی ترتیب داده بود و در حضور بازماندگان واقعه کربلا، سر بریده حسین (ع) را در تشت نهاد و با چوب‌دستی به صورتش می‌زد، زینب کبری (س) با سخنرانی خویش غرور یزید را در هم کوفت و او را از کرده خویش پشیمان کرد. سرانجام یزید مجبور شد کاروان را با احترام به مدینه برگرداند.

در مدینه نیز زینب (س)، پیام آور شهیدان، ساکت ننشست. او با فریادش مردم مدینه را بر ضد حکومت یزید شوراند. حاکم مدینه در پی تبعید حضرت زینب (س) برآمد. به نوشته برخی حضرت به شام سفر کرد و در همان جا درگذشت. برخی دیگر گفته‌اند: حضرت به مصر هجرت کرد و در تاریخ پانزدهم رجب سال 62 هجری درگذشت.

منبع:

منتخب التواریخ

لهوف، ص 218؛ مقرر، مقتل الحسین، ص 324؛ ارشاد، ج 2، ص 144.

ارشاد، ص 116 117؛ بحارالانوار، ج 45، ص 117.